

آینده

تکته‌ها

سرمقاله: «کدام روز نامه؟ کدام اعتدال»محمد کوچانی

نمی‌توان انکار کرد که در ۲۴خرداد۹۲ مردم ایران خود به سبستر تاریخی دست زدند. یعنی از دو جریانی که روزگاری به‌غلط تز و آنتی تز هم شناخته می‌شدند و فرض می‌شد که هاشمی و خاتمی در مقابل هم قرار دارند، سبتری به نام روحانی ساخته شد که جامع و مانع بود و هر دو عنصر رشد اقتصادی و رشد سیاسی را مورد توجه قرار می‌داد.اصلاح‌طلبی باید اصلاح شود نه از آن رو که در اهدافش به خطا رفت بلکه از آن جهت که شتاب‌زده بود و که هنوز بقایای چپ‌زدگی و چپ‌روی دوران صباوت اصلاح‌طلبان در آن دیده می‌شد و اصولگرایی باید گوهر محافظه‌کاری خود را احیا کند چون در سال‌های اخیر با فاصله‌گرفتن راست‌های جدید از راست‌های سنتی و رادیکالیزه‌شدن جریان راستگرایی در ایران گروهی بنیادگرا به نام اصولگرایان این جریان سیاسی را مصادره کرده‌اند.اکثون ایران رییس‌جمهوری دارد که بیش از آنکه روشنفکری با نظر به‌پرداز باشد، سیاستمدار و کارگزار است. این موقعیت را باید حفظ کرد.انقلاب مشروطه و نهضت ملی و جنبش اصلاحات هر یک در جایی متوقف شدند. اگر بخواهیم در عصر ما به آن تجربه‌ها بازنگریدیم همه‌یاید اعتدال پیشه کنیم.وظیفه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزگار اعتدال نه موافقت مطلق و نه مخالفت تام با دولت که مشورت‌دادن مدام به آن است.

اطلاعات

سرمقاله: «سبید؟ علیرضا خانی
تردید نیست که پرداخت یارانه به اقشار مرفه و ثروتمند آن هم در شرایطی که دولت با کسری شدید ردفیف پرداخت یارانه مواجه است، با هیچ منطقی سازگار نیست. طبق برآوردها پنج‌میلیون نفر در طبقه کالامال‌ثروتمند قرار دارند و ۱۵میلیون نفر دیگر از رفاه نسبی برخوردارند. هرچند ممکن است حتی حریف این دهک‌ها از شمول افراد پراکنده‌تر، نارضایتی‌هایی را ایجاد کند اما دولت در نخستین قدم اصلاح شیوه نادرست و مضر پرداخت یارانه‌ها، علاوه بر تدبیر و درایت، به شجاعت هم نیاز دارد. هیچ توجیهی ندارد که دولت بر خشت کجی که در دولت قبل گذاشته شد، تا عرش دیوار کج بنهد.

انتقاد

یادداشت: «چگونگی رفتارهای متناقض دولتمردان آمریکا»علی خرم

تفاهم ژنو از آن دسته توافقاتی است که آثار و تبعات آن جهانی است و هر روز می‌تواند بخشی از جهان را تحت‌تاثیر قرار دهد. این تفاهم در ایران، آمریکا، فرانسه، اسرائیل و بسیاری از کشورهای دیگر جالش‌های فکری، عقیدتی و سیاسی به‌وجود آورد و جناح‌های متضاد علیه یکدیگر تیغ انتقاد گشودند و در حمایت و مخالفت برای تفاهم ژنو داد سخن دادند. کشورهای نظیر فرانسه که مخالف سیاسی تفاهم ژنو بوده‌اند اینک گوی سبقت را در زمینه اقتصادی از آمریکا روده و قبل از ورود آمریکا به بازار ایران دارند نسبت به پروژه‌های اقتصادی- صنعتی با ایران به تفاهم احتمالی می‌رسند که برای اعتبار رییس‌جمهور آمریکا یک ناکامی محسوب خواهد شد و غول‌های اقتصادی آمریکا را ناراضی خواهد کرد که نتیجه آن بر علیه حزب دموکرات در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری به ظهور خواهد رسید.

کیتان

سرمقاله: «نقشه راه» سیدمحمد جوادی
در ماه‌های اخیر هم با کمال تعجب شاهد آنیم که اندیشه‌های آن بزرگ‌مرد به شیوهای دیگر دستخوش هجوم واقع شده است؛ حرکت مرموز و هدف‌داری برای تحریف مواضع ضداستکباری حضرت‌المکار(ره) درست هم‌زمان با تلاش برخی جریان‌د در عادی‌سازی روابط با شیطان بزرگ شکل گرفته است. سوال این است که چگونه ممکن است کسی که می‌گفت «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید؛ موافق حذف شعار «مرگ بر آمریکا بوده باشد»... انتظار از رییس‌جمهور محترم آن است که تعریف مشخص و به قول اهل منطق تعریفی جامع و مانع از «اعتدال» مورد نظر خویش را ارائه دهد تا راهی برای سواستفاده کسانی که «التقاط» و انحراف از مبانی اسلام و انقلاب را در پوشش این واژه دنبال می‌کنند باقی نماند.

رأیت

سرمقاله: «احزاب و ضرورت نقد علمی صاحبان قدرت»امیر محبیان

یکی از ضعف‌های مشهود مدیریت ایرانی عدم‌توجه جدی به نظارت پس از تحقق پروژه و ممانعت از برسرز انحراف در مسیر کار است. در حوزه سیاست این ضعف بیشتر خوندنمای می‌کند. دولت‌های پیشین معمولاً به گونه‌ای از زیر تیغ نقد علمی گریخته‌اند، ادامه این روند منفع نظام و مردم منتقل بهترین راه خنمت به مردم و حتی دولت‌ها نقد علمی و منصفانه‌ست. برای اصلاح امور کشور به‌جای شعارهای سیاسی بی‌نتیجه، مهم‌ترین اقدام، اصلاح رفتار و کردار دولت‌ها و صاحبان قدرت با استفاده از روش‌های نقد منصفانه علمی است.

پژوهش

یادداشت: «از ابراز ندامت تا رفع کدورت»عباس حاجی‌نجماری

اکنون که فاصله‌گرفتن مردم از این جریان به ویژه پس از حماسه ۹۵مهر۸۸ که حتی سبب شد نافرذ اصلی مربوط به جریان خود در انتخابات یازدهم را به‌دلیل نداشتن پایگاه اجتماعی وادار به انصراف کرده و در پشت‌سر آقای روحانی قرار گرفتند و شرایط بعد انتخابات را فرصت مناسبی برای بازگشت به عرصه سیاسی بدون عذرخواهی از عملکرد گذشته یافتند، با همین تعبیر «کدورت» قایل رفغ است؟ و آیا آوازه آشتی ملی برای کسبانی که هنوز بر مواضع غیرقانونی و غیرشرعی خود در آن حوادث تلخ اصرار دارد منصفان می‌یابد مگر حماسه سیسی ۲۴خرداد و یا همین حضور ده‌ها میلیون در راهپیمایی ۲۲ بهمن که احاد مردم را بهر سلسلیقه و دیدگاهی با حضور یکپارچه خود از اصول و آرمان‌های انقلاب دفاع کردند، مصداق وحدت و انسجام ملی نیست؟

آینده

تکته‌ها

شرق: حالا فرصت به «باهر» رسیده که شاید بتواند با «هنر» خود، رویای وحدت اصولگرایان را محقق کند. محمدرضا باهنر، برادر شهید باهنر، سیاستمدار اصولگرا و دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. او در دوره‌های دوم تا نهم مجلس حضور داشته و در مجالس چهارم، پنجم، هفتم، هشتم و نهم با وجود تغییر روسای مجلس، نایب‌رییس مجلس بوده است. برخی او را باسابقه‌ترین دوران صباوت اصلاح‌طلبان در آن دیده می‌شد و اصولگرایی باید گوهر محافظه‌کاری خود را احیا کند چون در سال‌های اخیر با فاصله‌گرفتن راست‌های جدید از راست‌های سنتی و رادیکالیزه‌شدن جریان راستگرایی در ایران گروهی بنیادگرا به نام اصولگرایان این جریان سیاسی را مصادره کرده‌اند.اکثون ایران رییس‌جمهوری دارد که بیش از آنکه روشنفکری با نظر به‌پرداز باشد، سیاستمدار و کارگزار است. این موقعیت را باید حفظ کرد.انقلاب مشروطه و نهضت ملی و جنبش اصلاحات هر یک در جایی متوقف شدند. اگر بخواهیم در عصر ما به آن تجربه‌ها بازنگریدیم همه‌یاید اعتدال پیشه کنیم.وظیفه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزگار اعتدال نه موافقت مطلق و نه مخالفت تام با دولت که مشورت‌دادن مدام به آن است.

امیر محبیان:

اصولگرایان باید افراطیون را از مرکزیت خارج کنند

مهسا جزینی

نخستین همایش سراسری «جبهه پیروان خط امام و رهبری» بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر و درگذشت دبیر کل پیشین این جبهه پنجشنبه این هفته برگزار می‌شود. از جمله مسایلی که قرار است در این همایش مورد بحث و بررسی قرار گیرد چگونگی ورود جبهه پیروان به انتخابات آینده مجلس و وحدت اصولگرایان است؛ و حتی که اصولگرایان به‌شدت به آن نیازمندند و تجربه این سال‌ها و به‌ویژه در انتخابات گذشته نشان می‌دهد که تر کهای عمیقی خورده است، «امیر محبیان» فعال سیاسی اصولگرا و روزنامه‌نگار به پرسش‌های ما در این باره پاسخ داده است.

«جبهه پیروان خط امام و رهبری» اعلام کرده است که نخستین همایش بزرگ خود را این هفته برگزار می‌کند. این نخستین همایش بعد از توافق بزرگ در جریان اصولگرایی است. نخست شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری و دوم، درگذشت «حبیبالله عسگرولادی» دبیر کل پیشین این تشکل. ارزیابی شما از برگزاری این همایش در این شرایط چیست؟

جریان اصولگرایی بعد از تحولاتی که در انتخابات گذشته - چه دوران احمدی‌نژاد و انتخابات اخیر - داشت به لزوم بازنگری در مفاهیم و روش‌ها رسید.

اما جریان اصولگرایان سنتی در سال ۸۴ تجربه نرسیدن به وحدت را داشتند و می‌توانستند از این تجربه همانند اصلاح‌طلب‌ها درس بگیرند. در سال ۹۲ آیا یک نامزد در انتخابات ظاهر شوند.

بله دیدگاه‌های مختلف و بعضی شکاف‌های عمیق شده مانع رسیدن به نتیجه مطلوب شده است. ما شاهد این هستیم که جبهه پیروان که استخوان‌بندی اصلی جریان اصولگرایی را به پیش می‌برد تحت عنوان مدیریت جدید یعنی آقای «باهنر» بعد از دوران مرحوم «عسگرولادی» می‌کوشد با تگلای مدرن‌تر این جبهه را فعال کرده و نقش مجری آن را تثبیت کند.

منظور شما از نگاه مدرن تر دقیقاً یعنی چه؟ مدرن در ایزار یا مفاهیم و ارزش‌ها؟

بەدلیل اینکه بدنه اصلی حامیان مهندس «باهنر» همان طیف جامعه مهندسين هستند و نگاه جدی‌تری به نسبت سایر بخش‌های اصولگرا به حوزه سیاست دارند. به نظر می‌رسد که ما شاهد رویکرد جدیدی در این حوزه باشیم. هرچند دشواری‌های بسیاری در این مسیر وجود دارد. زیرا لازمه اولیه بازسازی و اصلاح رویکرد و کارکردهای جریان اصولگرایی، نقد جدی این جناح در مراحل مختلف است. جناح اصولگرایاد تصوری جدید از خود ایجاد کند.

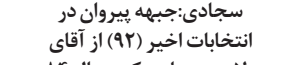
منظور شما از این تصویر جدید چیست؟ تصویری که به گمان من در کنار تأکید بر اعتقادات و باورهای دینی که به‌درستی بر آن بافشاری می‌شود باید چهره‌ای

سیاست

نخستین همایش «پیروان» بدون «حبیب»

جبهه پیروان خط امام و رهبری برای اولین بار با دبیر کلی باهنر گردهم می‌آیند

گسترده برای وحدت توفیق چندانی در این زمینه کسب نکرده‌اند و پیروزی آنها در چند دوره انتخابات اخیر زیر سایه تفرقه بوده است. باهنر درباره اختلافات در جریان اصولگرایی گفته است: «اصولگرایان بعد از انتخابات مجلس هفتم به انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم رسیدند، در این مقطع انشعابات در جریان اصولگرایی آغاز شد، باز هم نمی‌خواهم انشعابات را به یک‌نفر منتسب کنم، در آن زمان شورای هماهنگی نیروهای انقلاب داشتیم، که سازوکار مشخصی نداشت. اما کار به جایی رسید که برخی افراد از این شورا جدا شدند مثلاً در آن زمان اینارگران و رهپویان، شورای هماهنگی ۲ را ایجاد کردند. بعد از آنها احمدی‌نژاد آب پاکی را بر سر همه ریخت... جریان ییاداری اولین گروهی نبود که به سمت تفرقه گام برداشت، قبل از آن احمدی‌نژاد تفرقه را ایجاد کرد، حتی پیش از او نیز اینارگران و رهپویان تفرقه را در جریان اصولگرایی کلید زدند...سجادی درباره مواضع جبهه پیروان در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته به «شرق» می‌گوید: «جبهه پیروان در انتخابات اخیر (۹۲) از آقای ولایتی حمایت کرد.سال ۸۴ در دور اول از «علی لاریجانی» حمایت کردیم. در دور دوم احمدی‌نژاد به هر که خواستند رای بدهند. در سال ۸۸ نیز از احمدی‌نژاد حمایت کردیم



سجادی:جبهه پیروان در انتخابات اخیر (۹۲) از آقای ولایتی حمایت کرد.سال ۸۴ در دور اول از «علی لاریجانی» حمایت کردیم. در دور دوم احمدی‌نژاد به هر که خواستند رای بدهند. در سال ۸۸ نیز از احمدی‌نژاد حمایت کردیم

گذشته به «شرق» می‌گوید: «جبهه پیروان در انتخابات اخیر (۹۲) از آقای ولایتی حمایت کرد» او می‌افزاید: «سال ۸۴ در دور اول از «علی لاریجانی» حمایت کردیم. در دور دوم انتخابات سال ۸۴ نیز اعضا آتش به اختیار بودند که بین

هاشمی و احمدی‌نژاد به هر که خواستند رای بدهند. در سال ۸۸ نیز از احمدی‌نژاد حمایت کردیم» همایش روز پنجشنبه جبهه پیروان، نخستین همایش این تشکل بعد از درگذشت مرحوم عسگرولادی و انتخاب باهنر است. حبیبالله عسگرولادی، سیاستمداری سرشناس و محافظه‌کار که پیش از باهنر دبیر کل جبهه پیروان خط امام و رهبری بود در ۱۴ آبان سال‌جاری در سن ۸۱ سالگی درگذشت. عسگرولادی از بازاربان نزدیک به گروه «فداییان اسلام» بود که «هیات‌های مؤتلفه اسلامی» را تشکیل دادند. او پس از انقلاب به عضویت حزب جمهوری اسلامی درآمد و وارد مجلس شد. در دولت شهید رجایی به وزارت بازرگانی رسید. او در دولت اول محمدحسین موسوی نیز وزیر بازرگانی بوده است. عسگرولادی در ماه‌های آخر عمر درمورد حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ موضعی اتخاذ کرد که اعتراض گروهی از همفکرانش را برانگیخت. او بر خلاف اکثر همفکرانش، با «فتره» نامیدن «مهدی کروبی» و «میرحسین موسوی» اعلام مخالفت کرد. او باوجود انتقاد برخی اعضای شورای مرکزی حزب متبوع خود و دیگر اصولگرایان بارها بر این موضع خود پافشاری کرد. عسگرولادی، موسوی و کروبی را برادران خود خوانده و گفته بود آنها را اهل فتنه نمی‌داند و معتقد است: «اهل فتنه آنها را محاصره کرده‌اند» او همچنین

افغانستان

ادامه از صفحه اول

افغانستان امروز و راه دشوار آینده

در همین سال در افغانستان نیز انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد اما به دلیل اینکه هیچ نامزدی نتوانست آرای لازم برای برنده‌شدن در دور اول را به‌دست آورد، انتخابات به دور دوم رفت. هرچند انتخابات دور دوم برگزار نشد و حامد کرزای به فاصله کمسیون مستقل انتخابات بار دیگر به ریاست‌جمهوری رسید اما این انتخابات، رابطه میان کرزای و آمریکا را با تنش‌های بیشتر از قبل مواجه کرد. همان‌گونه که رابرت گیتس وزیر دفاع آن زمان آمریکا در کتاب خویش اعتراف می‌کند، آمریکا در جریان این انتخابات قصد داشت تا حامدکرزای را از قدرت برکنار کند. در رابطه با این تنش‌ها هرچند رییس‌جمهور کرزای از کشتی نرم میان خودش و آمریکا برای تأمین منافع افغانستان سخن گفت اما در مواردی این کشتی نرم به خشونت گرایید و لحن حامدکرزای در بعضی از موارد به‌شدت پر خاشاک‌راه شد و دلیل آن نیز مداخله آمریکا در اسوری بود که در ظاهر خود را در آن موارد بی‌طرف نامودی می‌کردند. روایتی که حامدکرزای از رفتار مقامات آمریکایی با خودش دارد خوشبختانه نیست؛ وقتی سناتور گرهام در جواب حامدکرزای می‌گوید من به شما اجازه نمی‌دهم تا افغان‌ها را به زندان بینانزید، می‌گوید «و فقط یک فرد هستی و کاری نمی‌توانی بکنی» مشخص است که آمریکایی‌ها هرگز کرزای را جدی نمی‌گرفتند. آنها کرزای را شخصی می‌شناختند که نه‌تنها از حمایت حزب سیاسی قدرتمندی برخوردار نیست بلکه در کشور تقسیم‌شده بر بنیاد قوم‌گرایی، از حمایت قوم خود نیز به‌راری ندارد و پشت‌پن‌ها علیه دولت وی درگیر جنگ هستند.رویه‌ای از این دست را نه‌تنها بعضی از اعضای کابگرس با کرزای داشتند بلکه وزیر خارجه جان کری هم از حامدکرزای خوشش نمی‌آمد، در بعضی از موارد، خبر از مشاجره لفظی میان حامدکرزای و فرماندهان نظامی آمریکا و حتی سفیر آمریکا در کابل نیز به بیرون درز می‌کرد. مشکل کرزای این بود که در حالی‌که در روابط با آمریکا روزهای نه‌چندان خوبی را تجربه می‌کرد، نتواست تا از همان آغاز کار ملت را در جریان این ماجرا قرار دهد. او اگر این مسایل را با روشنی با ملت در میان می‌گذاشت، امروز با این موقعیت دشوار مواجه نمی‌شد. حامد کرزای از آمریکایی‌ها خواست تا اداره زندان بگرام را به حکومت افغانستان بسانند. زندانی که آمریکایی‌ها در آن هزاران افغان و زندانیانی از کشورهای دیگر را به بند کشیده‌اند.

آمریکایی‌ها اما ناخوشسته و با تأخیر سرانجام اداره بخشی از این زندان را به حکومت افغانستان سپردند و شرط گذاشتند که حکومت افغانستان در مورد سرنوشت این زندانیان با مشورت آمریکایی‌ها تصمیم بگیرد. این سوال از جانب افغان جای مطرح‌شدن دارد که اگر کشور من یک کشور آزاد است، پس یک کشور خارجی به کدام حق در داخل کشور من زندان می‌سازد و عده‌ای از هموطنان مرادر آن زندان بدون اعلام جرم و به این اتهام تنه می‌دارد که این افراد دشمنان باقوه آمریکا هستند! همین افراد بی‌گناه هم زمانی که از بگرام آزاد شده‌اند، به‌خاطر انتقام‌گیری هم که شده به صف مخالفان مسلح پیوسته‌اند. به همین دلیل حامد کرزای گفت «بگرام کارخانه‌هایساز است» رییس‌جمهور کرزای در آخرین درخواست خویش از نیروهای خارجی خواسته است تا بعد از این حق عملیات به خانه‌های مردم و دستگیرکردن افغان‌ها را ندارند. وی همچنان تأکید کرد که هیچ نیروی خارجی در افغانستان حق داشتن زندان را ندارد. اکنون که طولانی‌ترین جنگ تاریخ آمریکا با این‌بیست‌مواجه شده و آمریکا و متحدان این کشور قصد دارند بخش اعظمی از نیروهای خود را تا پایان سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج سازند، ایالات‌متحده آمریکا افغانستان را تحت‌فشار قرار داده تا قرارداد امنیتی را با این کشور به امضا برساند. به موجب این قرارداد، آمریکا می‌خواهد تعدادی از نیروهایش را در ۹ پایگاه در افغانستان باقی بگذارد اما حامد کرزای می‌گوید که قبل از امضای این قرارداد، آمریکایی‌ها باید تعهد کنند که متعرض خانه‌های افغان‌ها نمی‌شوند و مذاکرات صلح را با مخالفان مسلح دولت آغاز کنند. در سال ۲۰۰۱ که نخستین‌بار نیروهای خارجی به افغانستان آمدند، امیدوی به آینده خلق کردند که گویی در مدت کوتاهی افغانستان مدبل به مشعل و الگویی برای همه کشورهای همسایه و حتی فراتر از آن برای همه کشورهای اسلامی خواهد شد. جنگ و ناامنی‌ها به پایان خواهد رسید و چهره این کشور چنگرنده به صورت بنیادی تغییر خواهد کرد. خلق امیدهایی چنین بزرگ موجب شد تا میزان توقعات مردم به‌شدت افزایش یابد، اما زمانی که بعد از چندسال بسیاری از این اهداف در عمل تحقق نیافت و امیدهای چنان بزرگ جای خود را به ناامیدی داد، ناامنی‌ها هم گسترده‌تر شد. اکنون بار دیگر تبلیغ برای اهمیت قرارداد امنیتی با آمریکا موجب شده تا امیدهای واهی دیگری همانند سال ۲۰۰۱ خلق شود و این اندیشه را در انذهان عده‌ای به میان آورد که آینده افغانستان به این قرارداد وابسته است و اگر خارجی‌ها از افغانستان خارج شوند، نیروهای افغان توان دفاع از کشور را ندارند و افغانستان بار دیگر به کام جنگ داخلی فرو خواهد رفت. خارجی‌ها با در نظر داشتن تجربه ۱۲سال گذشته شاید دانسته باشند که خلق امیدهای کاذب، این بار بسیار خطرناک‌تر خواهد بود. شاید به همین دلیل است که در این اواخر چندین نهاد استخباراتی آمریکا در یک

ارزیابی مشترک به این نتیجه رسیدند که حتی در صورت حضور نیروهای آمریکایی بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان، دستاوردهای سه‌سال گذشته قابل دوام نیست و تا سال ۲۰۱۷ این دستنواردها از میان خواهد رفت. دستنواردها را می‌توان به دو شکل حفظ کرد، نخست از راه جنگ و وادارویدن ضربه قاطع که مخالفان به‌صورت کامل از صحنه حذف شوند؛ یا راهی که در دهها سال جنگ در افغانستان حتی به کمک قوی‌ترین نیروهای نظامی جهان ممکن نشد. بنابراین باید به فکر راه دوم افتاد؛ از راه تفاهم ملی و رسیدن به صلح با مخالفان. تجربه در این کشور نشان داده که تمایزت‌خواهی و فشار موجب حفظ هیچ ستاوردی نخواهد شد حتی اگر این دستاوردها مانند دوران طالبان یا درون‌مایه‌های مذهبی هم توام باشد.

آخرین گفت‌وگوی رییس‌جمهوری با مردم که قرار بود ساعت ۲۱ از شبکه یک سیما پخش شود به ناگهان تغییر کرد. چیزی نگذشت که سایت «ایران» خبرگزاری رسمی دولت اعلام کرد که رییس صداوسیما پخش زنده گفت‌وگوی تلویزیونی رییس‌جمهوری را متوقف کرد. علت این ماجرا هم عدم توافق رییس‌جمهوری درباره حضور مجریان برنامه با صداوسیما عنوان شد. نیمه‌شب، خبرغای در نامه‌ای به شورای نظارت بر صداوسیما خواستار تعیین تکلیف در این باره شد. حالا اینکه رییس صداوسیما چرا تا صبح صبر نکرده بود خود جای سوالاتی جدی دارد. اما پیش از این، پس از سفر رییس‌جمهوری به خوزستان، محمداقبر نوبخت، سخنگوی دولت هم با اشاره به استقبال مردم از روحانی از عملکرد صاوسیما انتقاد کرده و گفته بود: «ارسانه ملی برخی استقبالی‌ها را خوب پوشش نداد»

آخرین گفت‌وگوی رییس‌جمهوری با مردم که قرار بود ساعت ۲۱ از شبکه یک سیما پخش شود به ناگهان تغییر کرد. چیزی نگذشت که سایت «ایران» خبرگزاری رسمی دولت اعلام کرد که رییس صداوسیما پخش زنده گفت‌وگوی تلویزیونی رییس‌جمهوری را متوقف کرد. علت این ماجرا هم عدم توافق رییس‌جمهوری درباره حضور مجریان برنامه با صداوسیما عنوان شد. نیمه‌شب، خبرغای در نامه‌ای به شورای نظارت بر صداوسیما خواستار تعیین تکلیف در این باره شد. حالا اینکه رییس صداوسیما چرا تا صبح صبر نکرده بود خود جای سوالاتی جدی دارد. اما پیش از این، پس از سفر رییس‌جمهوری به خوزستان، محمداقبر نوبخت، سخنگوی دولت هم با اشاره به استقبال مردم از روحانی از عملکرد صاوسیما انتقاد کرده و گفته بود: «ارسانه ملی برخی استقبالی‌ها را خوب پوشش نداد»